



دانشگاه شاهرود
پایه

جغرافیای سیاسی ایران

دکتر سهراب عسگری

«امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.»^۱

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۷۲/۱۰/۴

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

نه

پیشگفتار

۱ فصل اول: ایران تاریخی و تاریخ سرزمین ایران

۱ هدف کلی

۱ هدف‌های یادگیری

۲ مقدمه

۲ ۱-۱ نام ایران و سیر تحول آن

۸ ۲-۱ آغاز زندگی در ایران

۱۳ ۳-۱ تاریخ طبیعی ایران و وضعیت جغرافیایی آن

۱۷ ۴-۱ تمدن ایرانی و نقش آب در پیدایش آن

۱۹ ۵-۱ شکل‌گیری تمدن ایرانی و خط و زبان ایران باستان

۲۲ ۶-۱ بنیادهای زیستی کشور

۲۶ ۷-۱ حس وطن‌دوستی و وطن‌خواهی ایرانیان

۲۹ خلاصه فصل اول

۳۱ خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول

۳۱ خودآزمایی تشریحی فصل اول

۳۳ فصل دوم: علت وجودی ایران

۳۳ هدف کلی

۳۳ هدف‌های یادگیری

۳۳ مقدمه

۳۵ ۱-۲ عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده علت وجودی ایران

۳۵ ۱-۱-۱ زبان پارسی

۳۸ ۱-۱-۲ دین اسلام و مذهب شیعه

۴۰ ۱-۲-۳ حکومت و دولت

۴۴	۲-۱-۴ نژاد و قومیت
۴۵	۲-۱-۵ موقعیت فضایی کشور و وحدت سرزمین آن
۴۷	۲-۱-۶ خصلت‌های فرهنگی ویژه
۴۹	خلاصه فصل دوم
۵۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۵۰	خودآزمایی تشریحی فصل دوم
۵۱	فصل سوم: سیر تکامل و تحول حکومت و دولت در ایران
۵۱	هدف کلی
۵۱	هدف‌های یادگیری
۵۱	مقدمه
۵۴	۳-۱ حکومت‌های نخستین ایران
۵۶	۳-۲ سلسله‌های حکومتی پیش از اسلام
۶۶	۳-۳ سلسله‌های حکومتی پس از اسلام
۷۲	۳-۴ دین و حکومت
۷۶	۳-۵ ظهور دولت در ساختار سیاسی کشور
۷۸	خلاصه فصل سوم
۷۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۷۹	خودآزمایی تشریحی فصل سوم
۸۱	فصل چهارم: فضای جغرافیایی کشور، تنگناها و قابلیت‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیکی آن
۸۱	هدف کلی
۸۱	هدف‌های یادگیری
۸۲	مقدمه
۸۳	۴-۱ گستره جغرافیایی کشور و پدیده‌های ویژه آن
۸۸	۴-۲ سازماندهی سیاسی فضای جغرافیایی کشور و عوامل و زمینه‌های مؤثر بر آن
۹۰	۴-۲-۱ پایتخت یا کانون سیاسی کشور
۹۴	۴-۲-۲ تقسیمات اداری - سیاسی
۹۵	۴-۲-۳ مرزها
۹۹	۴-۳ مرز دریایی ایران و عربستان سعودی
۱۰۲	۴-۴ موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و روابط فضائی آن با پیرامون
۱۰۳	۴-۴-۱ درونمایه‌های جغرافیایی
۱۰۴	۴-۴-۲ موقعیت ژئوپلیتیکی
۱۰۸	۴-۵ تنگناهای ژئوپلیتیکی ایران و بسترهای چالش‌آفرین آن
۱۰۹	۴-۵-۱ چالش ژئوپلیتیکی جزایر سه‌گانه
۱۱۱	۴-۵-۲ چالش ژئوپلیتیک آب بین ایران و افغانستان
۱۱۳	۴-۵-۳ چالش ژئوپلیتیکی مرزهای دریایی ایران

۱۱۶	خلاصه فصل چهارم
۱۱۷	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۱۱۷	خودآزمایی تشریحی فصل چهارم
۱۱۹	فصل پنجم: عوامل مؤثر در پراکندگی جغرافیایی مردم ایران و چگونگی نقش آفرینی فضایی آن‌ها
۱۱۹	هدف کلی
۱۱۹	هدف‌های یادگیری
۱۱۹	مقدمه
۱۲۱	۵-۱ عوامل مؤثر در پراکندگی جغرافیایی مردم ایران
۱۲۱	۵-۱-۱ عوامل انسانی
۱۲۴	۵-۱-۲ عوامل طبیعی
۱۳۱	۵-۱-۳ بستر و اگرایی در کشور
۱۳۲	خلاصه فصل پنجم
۱۳۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۱۳۳	خودآزمایی تشریحی فصل پنجم
	فصل ششم: نقش حکومت و ساختارهای آن در سازماندهی فضای جغرافیایی کشور و فرایند توسعه
۱۳۵	هدف کلی
۱۳۵	هدف‌های یادگیری
۱۳۵	مقدمه
۱۳۷	۶-۱ حکومت عامل اصلی سازماندهی فضای جغرافیایی
۱۴۳	۶-۲ سازمان برنامه و بودجه و برنامه‌های توسعه در کشور
۱۴۸	۶-۳ تقسیمات اداری - سیاسی کشور
۱۵۸	خلاصه فصل ششم
۱۵۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم
۱۵۹	خودآزمایی تشریحی فصل ششم
۱۶۱	پاسخنامه
۱۶۳	منابع

پیشگفتار

واحد سیاسی یا کشور یکی از تقسیمات بین‌المللی و انسان ساخت بر روی کره زمین است. براین اساس امروز مردمان را با قلمروهای محصور و محدود شده با نامی خاص می‌شناسیم و کشورها با مرزهای مشخص شده دارای مردمانی هستند که حکومت تعیین کرده و مسیر تعالی و توسعه را طی می‌کنند. هر کشوری در درون خود مجموعه‌ای از ساختارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد تا به بقای خود دوام بخشد. همچنین کشورها برای نقش‌آفرینی بین‌المللی و دفاع از منافع ملی خود در عرصه‌های جهانی فعال هستند. این حضور ممکن از عضویت در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و جهانی شروع شود و به نقش‌آفرینی در عرصه‌های مهم‌تر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ختم شود. بدون توجه به وسعت، کشورها دارای شخصیت حقوقی در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی هستند که به عضویت آن‌ها درآمده‌اند اما ممکن است کشورهای کوچک و ضعیف به اندازه کشورهای بزرگ در فرایند تصمیم‌گیری‌های مهم جهانی نقش نداشته باشند.

امروزه، در گام یکم دوام بقای باعزت کشورها و در گام دوم، حرکت در مسیر رشد و توسعه مهم‌ترین دغدغه برای واحدهای سیاسی است. هر حاکم، رهبر، رئیس جمهور، رئیس دولت و به‌طور کلی حاکم عاقل و مدیر، باید شناخت کافی از توان و ظرفیت کشورش داشته باشد و براساس توانمندی‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی موجود نسخه دگرگونی مثبت را برای کشورش تجویز کند. کشورهایی که منافع ملی آن‌ها از سوی دیگران نادیده گرفته می‌شوند ابتدا حاکمان این کشورها مقصرند؛ چراکه مدیریت غلط آن‌ها چنین فرصتی را برای دیگران به وجود آورده است.

یکی از ابزارهای علمی شناخت درست توانمندی‌های بنیادین کشور در عرصه‌های گوناگون، جغرافیای سیاسی است. جغرافیای سیاسی کشورها از روزآمدترین مسائل در حوزه علمی است؛ چون اتفاقات و تحولات نو در حال وقوع هستند که باید شناخت درست از آن‌ها به دست بیاید تا کشور در گرداب خروشان ناامنی داخلی و هجوم خارجی گرفتار نشود.

کتاب جغرافیای سیاسی ایران که اکنون چاپ شده و در اختیار شماست، نتیجه پژوهش و مطالعه دوساله اینجانب است. این کتاب در ۶ فصل تنظیم شده که عبارت‌اند از: فصل یکم ایران تاریخی و تاریخ سرزمین ایران، فصل دوم علت وجودی ایران، فصل سوم سیر تکامل و تحول حکومت و دولت در ایران، فصل چهارم فضای جغرافیایی کشور و تنگناها، قابلیت‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیکی، فصل پنجم عوامل مؤثر در پراکندگی جغرافیایی مردم ایران و چگونگی نقش‌آفرینی فضایی آن‌ها و فصل ششم نقش حکومت و ساختارهای آن در سازماندهی فضای جغرافیایی کشور و فرایند توسعه.

کتاب جغرافیای سیاسی ایران برای تدریس در مقطع کارشناسی تألیف شده اما سایر علاقه‌مندان هم می‌توانند از آن بهره علمی ببرند. نویسنده بر این باور است که با تمام تلاش‌های صورت گرفته، این کتاب ممکن است دارای نواقص و اشکالاتی باشد که تذکر آن باعث غنا و افزایش محتوا در چاپ‌های بعدی خواهد شد.

فصل اول

ایران تاریخی و تاریخ سرزمین ایران

هدف کلی

در این فصل دانشجویان با مفهوم نام ایران و دگرگونی‌های تاریخی آن، آغاز زندگی در ایران، تاریخ طبیعی کشور، نقش آب در شکل‌گیری تمدن ایرانی، خط و زبان ایران باستان، بنیادهای زیستی کشور و با جریان میهن‌گرایی و وطن‌دوستی ایرانیان آشنا خواهند شد.

هدف‌های یادگیری

انتظار می‌رود دانشجویان پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. شناخت کافی از نام ایران و تاریخ تحول آن پیدا کنند.
۲. تاریخ شروع زندگی در ایران را تشریح کنند.
۳. تشریح مناسبی از تاریخ طبیعی ایران داشته باشند.
۴. عوامل مؤثر در شکل‌گیری تمدن ایران را بشناسند.
۵. خط و زبان ایران باستان را شناخته، آن‌را تشریح کنند.
۶. بنیادهای زیستی ایران را بشناسند.
۷. با جریان میهن‌دوستی و وطن‌گرایی ایرانیان آشنا شوند.

مقدمه

زندگی نوع بشر از تاریخ طولانی برخوردار است. کاوش‌های تاریخی بسیاری برای شناخت گذشته بشری انجام شده است. یافته‌ها از تاریخ کهن زندگی انسان البته تمام جنبه‌ها را دربرنمی‌گیرد و بسیاری از جنبه‌ها ناشناخته باقی مانده‌اند. آنگاه که از دستاوردهای مادی تمدن سخن به میان می‌آید منظور شکل ابزار، پارچه، فلزات، بناها و به طور کلی کالاهای تولیدشده و ویژگی‌های آن‌ها است. آنچه مسلم است انسان‌ها نخست به صورت ابتدایی و با شیوه‌های بسیار ساده زندگی می‌کردند؛ کم‌کم کشاورزی آموختند و سپس ذخیره‌کردن یاد گرفتند. در کنار آن شروع به اهلی کردن حیوانات کردند. برای عبور از این مسیرهای تاریخی وجود یک بستر طبیعی با شرایط مناسب نیاز بود. بنابراین تمدن‌های نخستین در گستره‌هایی پدید آمدند که ضمن داشتن خاک خوب، دارای هوای مناسب و آب قابل دسترس بودند. گاهواره‌های تمدنی از این نظر در دنیا محدودند و خیلی زیاد نیستند. این خاستگاه‌ها کانون تمدن‌هایی تأثیرگذار بودند که بنیان دگرگونی و توسعه بشری را پایه‌گذاری کرده‌اند.

ایران یکی از مناطق مهم در تحول تمدن و بنیان‌گذاری آن بوده است. تمدن ایرانی اگر فراتر از تمدن‌های دیگر نباشد قطعاً هم‌سطح تمدن‌های پیشرفته کهن قرار می‌گیرد. بنیان تحول در تمدن ایرانی هم از ایده‌پردازی افراد و حاکمان و هم از ماهیت و ویژگی‌های سرزمینی تأثیر پذیرفته است. به عنوان نمونه قنات مهم‌ترین رهاورد تمدن ایرانی به دلیل کمبود آب و محدودیت‌های طبیعی، اختراع و به دنیا عرضه شده است. از تاریخ شروع زندگی در فلات ایران اطلاع دقیقی در دست نیست اما آنچه مسلم است قدمت تمدن ایرانی بیش از ده‌هزار سال است. چه پژوهشگران و باستان‌شناسان تأکید بر تاریخ طولانی‌تر دارند. آثار به دست آمده از لرستان، جیرفت، همدان و ... دلیل آشکاری بر تأیید این موضوع است و قدمت تمدن کهن ایران را به بیش از آنچه گفته شده می‌رسانند.

۱-۱ نام ایران و سیر تحول آن

بخشی از تاریخ هر سرزمین به تغییر و دگرگونی نام آن سرزمین مربوط می‌شود. این دگرگونی شامل گستره کشورها، مناطق جغرافیایی، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، کوه‌ها، شهرها و ... هستند.

تاریخ نام‌ها و چگونگی پیدایش نام مناطق تاریخی پرفرازونشیب و درعین حال جذاب بوده است. آنچه امروزه از آن تحت‌عنوان وجه تسمیه مکان‌ها یاد می‌شود بیشتر توصیف و توجیه نام‌گذاری مکان‌ها است. برای درک درست تحول در نام مناطق و مکان‌های جغرافیایی ضروری است گذشته آن‌ها را بخوانیم و بدانیم. چه بدون آگاهی از گذشته آن‌ها نمی‌توان به علت نام‌گذاری و تغییرات پی برد.

دگرگونی‌های مربوط به نام سرزمین‌ها و مکان‌ها و سایر پدیده‌های جغرافیایی از عوامل چندی ناشی می‌شود. برخی از نام‌ها به دلیل تغییر در ماهیت آن پدیده دچار دگرگونی و تغییر نام می‌شوند مانند دریای تتیس که دریایی در دوران زمین‌شناسی بود ولی امروزه درعمل چنین دریایی وجود ندارد و یا رودخانه‌هایی که درگذشته وجود داشتند ولی اکنون نیستند و درنتیجه در جغرافیای کنونی نامی از آن‌ها برده نمی‌شود. همچنین نام بسیاری از مناطق و حتی کشورها به دلیل دخالت دیگران تغییر یافته است. به بیان دیگر برخی از تغییر نام‌ها اختیاری نبوده بلکه به صورت دستوری تغییر نام یافته‌اند. برای نمونه حضور قدرت‌های استعماری در دوران استعمار کهن در بسیاری از مناطق اشغالی علاوه بر تبعات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، دگرگونی در نام این مناطق را هم در پی داشته است.

نام کشور ایران در دوره‌های تاریخی البته دگرگونی‌های زیادی نداشته است. نام این مرز و بوم اگرچه در ابتدا پارس بوده اما سپس ایران شده و برای ساکنانش به همین نام شناخته می‌شده است. نام ایران برای خارجیان هم دچار تغییراتی شده ولی امروزه در داخل و خارج کاربرد نام ایران یکسان است.

واژه ایران به معنی سرزمین آریاییان است. از دید جغرافیایی، این نام پهنه‌ای گسترده‌تر از کشور ایران را دربرمی‌گیرد و سراسر فلات ایران را شامل می‌شود. از دید فرهنگی این نام دربرگیرنده همه مردمانی است که براساس آیین ایرانی سر می‌کنند و به زبان‌های ایرانی - شاخه‌ای از خانواده زبان‌های هندو اروپایی - گویش دارند. مردمی که به فارسی سخن می‌گویند و به کردی، آذری، لری، مازندرانی، گیلکی، بلوچی و... (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۰۱). بنابراین ریشه نام ایران خاستگاه قومی دارد و از اقوام آریایی گرفته شده که گفته می‌شود حدود پنج‌هزار سال پیش به دلیل تغییرات جوی از شمال به سمت جنوب حرکت کردند تا به قلمروهای خوش آب‌وهوا برسند. کشورهای دیگری مانند ایران در دنیا وجود دارند که

نام آن‌ها از تبار قومی، قبیله‌ای و حتی نژادی آن‌ها گرفته شده است. کشورهای ازبکستان، قزاقستان، مغولستان و ... از جمله این کشورها هستند.

کاربرد نام ایران دو گستره را شامل می‌شد. شرق‌شناسان این واژه را برای دو گستره جغرافیایی به کار برده‌اند:

(الف) برای نامیدن گستره تمدنی ایران که از مرزهای کنونی کشور بسیار فراتر می‌رود و شامل گستره تاریخی آن می‌شود. این گستره قلمرو کشورهایی چون آذربایجان، افغانستان، ارمنستان، عراق و پاکستان است که در گذشته به‌عنوان بخشی از ایران پهناور محسوب می‌شدند.

(ب) برای نامیدن قلمرو گستره کنونی ایران است که مرزهایش در نتیجه تجاوزهای دولت‌های بیگانه و بی‌کفایتی حاکمان گذشته به‌شکل کنونی درآمده است. قدیمی‌ترین سند کتبی که در جهان موجود است و ضبط قدیم کلمه ایران را در آن می‌توان یافت گفتهٔ اراتوستن جغرافی‌دان معروف یونانی است که در قرن سوم پیش از میلاد می‌زیسته و کتاب وی از میان رفته ولی استرابون جغرافی‌دان مشهور یونانی از آن نقل کرده و وی آن را آریانا ضبط کرده است (نفیسی، ۱۳۱۳). براین‌اساس واژه ایران بیش از دوهزار و دویست سال در جهان خارج از ایران قدمت دارد.

در روزگار هخامنشیان که تمام ایران تحت پادشاهی آنان بود این گستره نام خاصی نداشت. چراکه در سنگ‌نوشته‌های برجا مانده، تنها نام ایالات و نواحی مختلف قلمرو پادشاهی آورده شده و به مجموعه ایالت‌ها نام خاصی اطلاق نشده است. هنگامی که کوروش بزرگ در سال ۵۵۰ پیش از میلاد حکومت هخامنشی را تشکیل داد و تمام جهان متمدن را زیر چتر خود گرد آورد چون پدران وی پیش از آن، پادشاهان دیاری بودند که آن‌را پارسا یا پارسوا می‌گفتند و شامل فارس و خوزستان امروز بود، مورخین یونانی کشور هخامنشیان را نیز بنابر همان سابقه که پادشاهان پارسی بوده‌اند پرسیس خواندند و سپس این کلمه از زبان لاتین در زبان‌های اروپایی به پرسی یا پرسیا و اشکال آن درآمد و صفتی که از آن مشتق شد در فرانسه پرسان و در انگلیسی پرشین و در آلمانی پرزیش و در ایتالیایی پرسینا و در روسی پرسیدسکی شد و در زبان فرانسه پرس را برای ایران قدیم پیش از اسلام (مربوط به دوره هخامنشی و ساسانی) و پرسان را برای ایران بعد از اسلام معمول کردند.

در سنگ‌نوشته‌های برجای‌مانده از پادشاهان هخامنشی به نام کشور ایران اشاره نشده است. در سنگ‌نوشته‌های گنج‌نامه همدان که مربوط به داریوش‌شاه و خشایارشا هخامنشی است سخنی از نام کشور ایران به میان نیامده است. در سنگ‌نوشته داریوش بزرگ آمده:

خدای بزرگ است اهورامزدا، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید، که داریوش را شاه کرد، شاهی از [میان] بسیاری، فرمانروایی از [میان] بسیاری. مَنَم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌ها [یی] که نژادهای گوناگون دارند، شاه سرزمین دور و دراز، پسر و یشناسب هخامنشی (سایت خبرگزاری میراث فرهنگی، آبان ماه ۱۳۹۴).

کتیبه خشایارشا نیز در قسمت پایین همین کتیبه است و به طول ۲۷۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۱۹۰ سانتی‌متر و متن آن عبارت است از:

خدای بزرگ است اهورامزدا، که بزرگ‌ترین خدایان است، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که برای مردم شادی آفرید، که خشایارشا را شاه کرد، یگانه از میان شاهان بسیار، یگانه‌فرمانروا از میان فرمانروایان بی‌شمار. من خشایارشا، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای دارای ملل بسیار، شاه این سرزمین بزرگ دوردست پهناور، پسر داریوش‌شاه هخامنشی (زنجانی، ۱۳۸۰: ۲۱۲).

کتیبه بیستون به بیان ویژگی‌های پادشاهان هخامنشی اختصاص دارد. در این کتیبه به جای نام ایران به پارس اشاره شده است. در بند نخست ستون یکم آمده:

من داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه در پارس، شاه کشورها، پسر و یشناسب، نوه ارشام هخامنشی (همان: ۲۱۷). در این سنگ‌نوشته بزرگ تاریخی واژه پارس آمده که می‌تواند اشاره به کشور ایران باشد.

بنابراین قدیمی‌ترین نام مملکت ما همین واژه ایران بوده یعنی نخست نام ایریا که نام نژاد بوده است نام مملکت را آبریان ساخته‌اند و سپس به مرور زمان ابریان، آیران شده و در زمان ساسانیان ایران، ایران (به کسر اول و سکون دوم) بدل شده است و در ضمن اران (به کسر اول) نیز می‌گفته‌اند. چنان‌که پادشاهان ساسانی در سکه و کتیبه‌ها نام خود را پادشاه ایران و اران می‌نوشتند. در دوره ساسانیان واژه ایرانشهر هم رایج بود.

از کهن‌ترین متون تاریخی ایرانی که نام ایران در آن آمده اوستا است. در متون برجای‌مانده از کتاب اوستا که کهن‌ترین نوشته بازمانده از پیش از اسلام ایران است، ایران مکانی است که اثیریانم وئجو (در زبان اوستایی) یا ایرانویج در زبان پهلوی نامیده‌شده است. این مکان چنان‌که در اوستا آمده، سرزمین سردی بوده که ساکنان آن مجبور به کوچ از آن شده‌اند. برخی از باستان‌شناسان، این مکان را منطقه قره‌باغ در آذربایجان (قفقاز) می‌دانند که همان اران دوران کهن است، خود این‌واژه نیز از ریشه اثیریانم وئجو (در زبان اوستایی) مشتق‌شده که به‌معنی ایران است. گروهی دیگر ایرانویج را منطقه‌ای در آسیای مرکزی، حوالی خوارزم، در جنوب دریاچه آرال معرفی می‌کنند که سرزمینی آباد بوده و ساکنان آن پس از بروز سرما و هجوم اقوام زردپوست شمال، سرزمین خود را ترک‌کرده و به‌سوی فلات ایران رهسپار شده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ۱۰).

آریان‌های هندی و ایرانی پس از آنکه مدت‌ها باهم زندگانی کردند از آسیای وسطی مهاجرت کرده، به باختر آمدند و از آنجا شعبه هندی به‌طرف هندوکوش رفته به دره پنجاب هند سرازیر شد و شعبه ایرانی به‌طرف جنوب و غرب متمایل شده در فلات ایران منتشر شد. از اینجا معلوم می‌شود که اسم ایران از اسم این مردمان است زیرا آن‌ها خود را ایریا می‌نامیدند که به‌معنی نجیب یا باوفاست (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۲۰).

پس از هجوم اعراب نام پارس به فارس تغییر یافت. دلیل این تغییر که اکنون هم کاربرد دارد عدم وجود حرف پ در زبان عربی است. آنان به‌جای حرف پ از حرف ف استفاده کردند. البته این مشکل در دوره اشغال ایران توسط اعراب بیشتر بروز کرد. آنان در استفاده از واژگان پارسی که یکی از چهارحرف (پ، ژ، گ، چ) در آن بود مشکل داشتند. در نتیجه به تغییر نام جای‌هایی که برایشان نام‌انوس بود اقدام کردند. بر همین اساس به دگرگونی نام‌هایی چون آذربادگان به آذربایجان، زنگان به زنجان، دلیگان به دلیجان و بسیاری از اسم‌های دیگر می‌توان اشاره کرد که بر اثر حمله اعراب دچار تغییر نام شده‌اند.

پس از اسلام اگرچه استقلال کشور بر اثر حمله اعراب از بین رفته بود و حدود دویست سال ایران جزو متصرفات عرب‌ها بود و حاکمان عربی داشته و به‌تدریج حاکمان محلی پیدا کرد اما نام ایران وجود داشته، به‌وسیله مردم و بزرگان کشور زنده نگهداشته شد. پس از احیای استقلال، ایران زندگی دوباره یافت. زبان رسمی از عربی به فارسی برگردانده شد و با رشد زبان پارسی نام ایران هم در ادبیات وارد شد.

واژه ایران در ادبیات و شعر شاعران بزرگ پارسی‌گوی ایرانی به فراوانی به‌کاررفته است. سرآمد همه شاعران در این زمینه ابوالقاسم فردوسی شاعر حماسه‌سرای بزرگ و سراینده شاهنامه است. این شاعر بزرگ و حکیم دانا در بیت‌های بسیار زیادی از واژه ایران استفاده کرده است. بدون شک در این‌مورد ویژه فردوسی سرآمد همه شاعران وطن‌دوست و ایران‌دوست بوده است.

به ایران و توران ورا بنده‌اند
به رای و به فرمان او زنده‌اند (ص: ۲۴)

از آن پس برآمد ز ایران خروش
پدید آمد از هر سوی جنگ و جوش (ص: ۲۹)

فرانک بدو گفت کای پاک‌دین
منم سوگواری ز ایران‌زمین (ص: ۳۱)

منم پور آن نامور آبتین
که بگرفت ضحاک ز ایران‌زمین (ص: ۳۳)

پس پشت شاه اندر ایرانیان
دلیران و هر یک چو شیر ژیان (فردوسی، ۱۳۸۴: ۴۷).

به‌جز این بیت‌ها، بیت‌های بسیار زیاد دیگری در شاهنامه فردوسی وجود دارد که در اینجا مجال پرداختن به همه آن‌ها نیست.

تا نخستین سال‌های قرن بیستم مردم دنیا کشور ما را با عنوان رسمی پارس یا پرشین می‌شناختند. در دوران سلطنت رضاشاه که بحث توجه به ایران باستان مطرح شد تلاش‌هایی در این زمینه شروع شد. یکی از این اقدامات تغییر نام رسمی کشور به ایران بود. در تاریخ سوم ماه دی ۱۳۱۳ وزارت خارجه طی بخشنامه شماره ۴۱۷۴۹ ضمن برشمردن ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی تغییر نام کشور به ایران، نوشت: نظر به جهات و دلایل فوق، چندی قبل از طرف سفارت شاهنشاهی در برلن پیشنهاد شد اقداماتی به‌عمل

آید که من بعد همان‌طوری که در فارسی در کتب و در لفظ مملکت خودمان ایران و مردمان آن‌را ایرانی می‌گوییم و می‌نویسیم در لفظ و کتابت خارجی نیز ایران و ایرانیان Iranian بگوییم و بنویسیم. این پیشنهاد کاملاً مورد موافقت وزارت امور خارجه بود با تأیید این وزارتخانه در محافل مربوطه دقت واقع شده و محل تصویب مقامات عالی‌ه مملکتی قرار گرفت و تصمیم گرفته شد از اول فروردین ۱۳۱۴ به موقع اجرا گذاشته شود. در اینجا مطلب به سفارتخانه‌ها اعلام و تقاضا شد من بعد در محاورات و مکاتبات این نکته را رعایت کنند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آرشیو ملی). با این اقدام و اعلام جهانی نام کشورمان به صورت رسمی به ایران تغییر یافت.

۱-۲ آغاز زندگی در ایران

از شروع زندگی در ایران اطلاع دقیقی وجود ندارد اما به‌طور کلی می‌توان گفت که زندگی در منطقه جنوب غربی آسیا در مقایسه با سایر مناطق جهان دارای گذشته طولانی‌تری است. چه به نظر می‌رسد این منطقه در گذشته زمین‌شناختی خود جزء مناطق سرسبز بوده و بیشتر قسمت‌های آن پوشیده از جنگل بود. در نتیجه بستر مناسبی را برای شکل‌گیری پایه‌های تمدن فراهم می‌آورد. یکی از مهم‌ترین دلایل وجود چنین مسئله‌ای به وجود منابع عظیم هیدروکربنی بازمی‌گردد. آن‌گونه که گفته شده یکی از علت‌های پیدایش منابع نفتی وجود انباشته‌های زیاد طبیعی مانند جنگل و حیوانات بوده و چون منطقه خاورمیانه دارای منابع قابل توجه نفت و گاز است در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که این منطقه از جنگل‌های سرسبز پوشیده بوده ولی امروزه اثر چندان از آن پوشش طبیعی وجود ندارد. تاریخ طبیعی منطقه خاورمیانه حکایت از تحولات گوناگونی دارد. میانرودان، لوانت، هلال حاصلخیز، پهنه‌های زاگرس و البرز و.... جزء مناطقی بوده که جذابیت‌های زیادی داشته ولی کم‌کم به دلیل ویرانی محیط‌زیست از جذابیت آن‌ها کاسته شده است. آثار برجای مانده در فلات ایران نشان‌دهنده وجود زندگی و به بیان دیگر تمدن‌های محلی در مناطقی از ایران است.

از نظر طبیعی فلات ایران جزء مناطق جوان کره زمین به‌شمار می‌رود. با توجه به ماهیت پدیده‌های طبیعی موجود در فلات ایران، مشخص است که این پدیده‌ها حاصل تحولات دوران‌های نزدیک زمین‌شناسی به‌شمار می‌روند. گذر کمربند زلزله از این

فلات مهم‌ترین دلیلی علمی بر این مسئله است. همچنین درگیری زمین‌شناختی فلات ایران با فلات عربستان هنوز ادامه دارد و در نتیجه بروز پدیده زلزله در ایران یکی از پیامدهای این رودر رویی فلاتی است.

بنابر مدارک دیرینه‌شناسان تمدن‌های اولیه را بایستی در نواحی اطراف رودخانه و تپه‌های حاصلخیز جستجو کرد که ایران از این گونه نواحی زیاد دارد. آثار باستان‌شناسان نشان از وجود تمدن‌هایی در اطراف ارتفاعات زاگرس و دامنه‌های شمالی و جنوبی البرز و درحوالی حوضه‌های داخلی ایران دارد چون این مناطق از شرایط زیست بهتری برخوردار بوده‌اند (بیگ‌محمدی، ۱۳۸۳). براساس یافته‌های باستان‌شناسان کانون‌های نخستین تمدن ایرانی در نیمه غربی کشور به دلیل وجود شرایط مناسب اقلیمی امکان رشد بیشتری داشته‌اند. آنچه از این کاوش به دست آمده این است که حدود ده‌هزارسال پیش در این گستره پایه‌های تمدن ایرانی بنیان گذاشته شده است. آنچه در مجموعه تاریخی فلک‌الافلاک خرم‌آباد به عنوان موزه تاریخی نگهداری می‌شود یکی از مهم‌ترین شواهد در این زمینه است. گیرشمن آثار زندگی کهن که قدمتی بیش از ده‌هزارسال داشته را در حفاری‌های غاری در تنگ پیده (pabda) در کوه‌های بختیاری واقع در شمال‌شرقی شوشتر یافت (همان).

فلات ایران یک واحد جغرافیای بزرگ و مستقل در جنوب غربی آسیاست. این واحد بزرگ جغرافیایی از نظر گستردگی درطول و عرض جغرافیایی تنوع زیستی توپوگرافی و سایر پدیده‌های طبیعی دارای گونه‌گونی قابل توجهی است. این منطقه از نظر اقلیمی به واحدهای طبیعی دیگر تقسیم می‌شود که تفاوت‌های زیادی باهم دارند. این تفاوت باعث پیدایش گونه‌های خاص از زندگی شده است. در این واحدها دوشکل خاص از زندگی پدیدآمده:

۱. کوچ‌نشینی یا اقتصاد دامداری و دامپروری

۲. یک‌جانشینی با اقتصاد کشاورزی

وجود بستر برای شکل‌گیری چنین زندگی‌هایی باعث آماده‌شدن شرایط جهت تشکیل حکومت در فلات ایران بوده است. می‌توان گفت نخستین و قدیمی‌ترین کانون‌های حکومتی در ایران بر واحدهای جغرافیای و طبیعی فلات منطبق بوده که از نمونه آن‌ها می‌توان به کانون حکومتی ماد در واحد جغرافیایی آذربایجان، پارت در

گران و خراسان، باختر در بلخ، عیلام در خوزستان و بخشی از ارتفاعات زاگرس، هخامنشی در پارس و کانون‌های حکومتی کیانیان در شرق و یا واحدهای جغرافیایی هلمند یا زرنگ اشاره کرد (کریستین سن ۱۳۶۸: ۶).

کاوش‌ها و یافته‌های تاریخی تأکید دارند که قبل از ورود آریایی‌ها به ایران تمدن‌های بومی در این سرزمین وجود داشتند. در غرب ایران مردمانی بوده‌اند موسوم به کاس سو که نژاد آن‌ها به‌طور محقق معلوم نیست. در مازندران کنونی تپوری‌ها و در جنوب غربی ایلامی‌ها ساکن بودند. راجع به باقی قسمت‌های ایران عقاید مختلف است. برخی به این عقیده‌اند که سواحل خلیج فارس و عمان از حبشی‌ها یا مردمان سیاه پوست مسکون بودند (پیرنیا؛ ۱۳۸۹: ۲۱).

در نتیجه به‌عنوان یک واقعیت بزرگ تاریخی باید بپذیریم که قبل از ورود آریایی‌ها، تمدن‌های محلی در ایران وجود داشتند. تمدن‌های بومی ایران در گستره قابل توجهی پراکنده بودند. فاصله آن‌ها از همدیگر قابل توجه بود. به‌نظر نمی‌رسد که این تمدن‌ها ارتباطات گسترده با همدیگر داشتند. مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

تمدن سیلک: آثار این تمدن برای اولین بار در تپه سیلک در نزدیکی کاشان به‌دست آمده و به‌همین نام نیز خوانده شده است. در عمیق‌ترین طبقه این حفاری آثار و بقایای اجتماعات ابتدایی کشاورزی در فلات ایران به‌دست آمده است. تاریخ تقریبی این تمدن در حدود اوایل هزاره پنجم پیش از میلاد است.

تمدن چشمه‌علی: برای اولین بار آثار این تمدن پیش از تاریخ در تپه چشمه‌علی در جنوب شرقی تهران کشف شد و به‌همین مناسبت این دوره به نام تمدن چشمه‌علی نام‌گذاری شد. ادوات استخوانی و سنگی این دوره به‌طرز زیبایی ساخته شده و صنعت سفالگری پیشرفت زیادی داشته است و هنرمندان نقوش بس زیبایی بر روی سفال‌ها کشیده‌اند. این تمدن از اواسط هزاره پنجم پیش از میلاد شروع می‌شود.

تمدن حصار: آثار این تمدن در تپه حصار نزدیک دامغان برای نخستین بار کشف شد و به‌همین سبب نام تمدن حصار بر آن نهادند.

تمدن‌های جنوب و جنوب غربی: این تمدن‌ها به علت ترنج سفال نخودی رنگ به نام تمدن‌های سفال نخودی رنگ مشهور شده‌اند که هم‌زمان با تمدن‌های فلات ایران در نواحی جنوب و جنوب غربی شروع و به تدریج گسترش یافته و تمام دنیای باستان را

فراگرفته است. دوران‌های مختلف این تمدن به نام‌های باکرن، جعفرآباد، جوی و شوش خوانده می‌شوند (اطلس تاریخی ایران، ۱۳۵۰).

تمدن شهرسوخته: شهرسوخته در ۵۶ کیلومتری زابل در استان سیستان و بلوچستان و در حاشیه جاده زابل - زاهدان واقع شده است. وسعت شهرسوخته را که بین ۲۹۰۰ تا ۱۹۰۰ پیش از میلاد مسکن مردمان مشرق ایران بود، هفتادهکتار تخمین می‌زنند (نیرنوری، ۱۳۷۵: ۲۹۵).

تمدن کارکاسی: تمدن کارکاسی از دیگر تمدن‌های باستانی ایران است. جایگاه جغرافیایی این تمدن در بیت‌کاری (نام باستانی همدان) بود. کارکاسی که در منابع تاریخی از آن با عنوان کارکاشی هم یادشده پیش از آمدن مادها و پیدایش هگمتانه وجود داشت (اذکایی، ۱۳۷۲: ۱۴۹).

به‌علت ویژگی خاص طبیعت جغرافیایی فلات ایران، مراکز تمدنی متعددی که توسط اقوام ایرانی در شرق و شمال و مرکز ایران شکل گرفته، از هم دور بودند و امکان ارتباط میان آن‌ها اندک بود و نمی‌توانستند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر مناطق تمدنی دورتر از خودشان داشته باشند.

در اسناد بازمانده از دوران اکادی (آکدی) و آشوری از قبایلی نام برده‌شده که در ناحیه آذربایجان و کردستان و کوه‌های زاگرس تا لرستان کنونی گوتی‌ها و لولویی‌ها زیسته‌اند. گوتی‌ها نظامی را برقرار کردند که نظام بهره‌کشی سابق که بر احکام دینی سومریان استوار بود را از میان بردند و بردگان را بر ضداریابان شوراندند. گوتی‌ها با آمدنشان نظام ارباب و بردگی را برهم زدند و به بردگان آزادی دادند و تفاوت طبقاتی مبتنی بر احکام شرعی که پیش از آن‌ها در جامعه حکم‌فرما بود را از میان برداشتند. سرزمین اصلی گوتی‌ها کردستان کنونی بوده است. سرزمینی وسیع در غرب فلات ایران که امروز کردستان بزرگ نامیده می‌شود (نوذری، ۱۳۸۱: ۲۴).

یکی دیگر از اقوام ساکن در غرب فلات ایران قبایل لولویی بودند. این قوم بخش وسیعی از قسمت علیای رود دیاله تا دریاچه ارومیه و حتی فراتر تا شمال غربی آن را اشغال کرده بودند. قوم لولویی از اقوام آسیایی‌نژاد بودند و با عیلامیان قرابت داشتند. از پادشاهان معروف این قوم آنوبانی نی بود (۲۲۰۰ قبل از میلاد) که سنگ‌نبشته‌ای از او بر صخره‌ای بر سرپل‌ذهاب هنوز برجاست (همان: ۲۳).

آنچه در تاریخ این سرزمین آمده حاکی از آن است که مهم‌ترین نقطه تحول در تاریخ ایران ورود آریایی‌ها است. اقوام آریایی در عهد قدیم از مسکن اولیه خودشان که در کتاب اوستا به نام آریاویچ نامیده شده، به سرزمین ایران مهاجرت کردند و در آن متوطن شدند (جوان، ۱۳۸۱: ۹). آریایی‌ها به علت دگرگونی‌های اقلیمی از عرض‌های شمالی (مناطق سردسیری) به سمت عرض‌های جنوبی که گرم بود حرکت کردند. وقتی به شمال دریای خزر رسیدند به دو گروه تقسیم شدند. عده‌ای از غرب دریای خزر به سمت جنوب آمدند و گروهی از طرف شرق دریای خزر به حرکت خود به سمت جنوب ادامه دادند.

آنان که از سمت غرب دریای خزر وارد فلات ایران شدند پس از مدتی حکومت مادها را تشکیل دادند. گروهی که از شرق خزر وارد فلات ایران شده بودند بعدها حکومت اشکانیان یا پارت‌ها را پدید آوردند.

سلسله ماد به وسیله دیاکو که رهبری قدرتمند و بزرگ‌مردی از میان قبایل ماد بود در دهه ۷۶۰ پیش از میلاد تشکیل شد. دیاکو پسر فروتیش بود. او از بزرگان ماد بود. مادها بر آن شدند که یوغ بردگی آشوری‌ها را که ۵۲۰ سال بود در آسیا فرمانروایی می‌کردند از گردن بیندازند و به آزادی برسند. بنابراین بر آن شدند که دیاکو را به رهبری خویش برگزینند و سلطنت را به او بسپارند. مادها پایتخت خود را هنگ مته (هگمتانه: همدان کهن) تعیین کردند.

پس از دیاکو پسرش فروتیش به تخت پادشاهی نشست. مادها برای تحکیم حکومت خود با دشمنان خارجی به‌ویژه با آشوریان جنگیدند. سارگون پادشاه آشور زمانی که از قدرت گرفتن فروتیش جانشین دیاکو آگاهی یافت برای شکست ایران به قلمرو مادها لشکرکشی کرد و ایرانیان دلاورانه با او روبه‌رو شدند و جنگیدند. سارگون در جنگ کشته شد و لشکریان آشور شکست‌خورده به آشور برگشتند.

اشکانیان پس از سلوکیان که اشغالگران خارجی بودند در ایران حکومت تشکیل دادند. ارشک و تیرداد بنیان‌گذاران حکومت اشکانی محسوب می‌شوند. فرمانروایان اشکانی از ضعف سلوکیان استفاده کرده، قلمرو خود را در غرب ایران گسترش دادند و سرزمین‌های ایرانی بیشتری را آزاد کردند (اطلس تاریخی ایران، ۱۳۵).